

جستارهایی درباره‌ی زن

سوزان سانتاگ

ترجمه‌ی: آذر جوادزاده

www.ketab.ir

نیما
Nimaj
Publication



1397

سرشناسه: سانتاگ، سوزان
 عنوان و نام پدیدآور: جستارهایی درباره‌ی زن/ سوزان سانتاگ؛ گردآوری و ترجمه: اصحیح؛ ترجمه: آذر جوادزاده.
 مشخصات نشر: تهران: نشر نیما، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.
 فروست: از مجموعه کتاب‌های استخوان‌های روح.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۷۵۳-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتاب حاضر گردآوری و ترجمه از چندین مقاله‌ی سوزان سانتاگ است.
 موضوع: سانتاگ، سوزان -- دیدگاه درباره زنان
 موضوع: زنان -- روان‌شناسی -- مطالب گونه‌گون / Women – Psychology – Miscellanea
 شناسه افزوده: جوادزاده، آذر، ۱۳۳۸-، مترجم.
 رده بندی کنگره: PS۳۵۲۵
 رده بندی دیویی: ۸۱۸/۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۲۸۶۶۲۳

www.ketab.ir



برای تولید کاغذ این کتاب به مراتب درخت کمتری قطع شده است.

از مجموعه‌ی کتاب‌های استخوان‌های روح

جستارهایی درباره‌ی زن

سوزان سانتاگ / ترجمه‌ی: آذر جوادزاده

نشر: نیمایز

دبیر مجموعه: محمدعلی جعفری

مدیر هنری و طراح گرافیک: محمد جهانی مقدم / صفحه‌آرا: شبنم طاهرخانی

ویرایش: تحریریه‌ی نشر نیمایز

لیتوگرافی: نقش‌آور / چاپ و صحافی: فارابی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰ / تیراژ: ۷۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۷۵۳-۱

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir

نیمایز

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان لبافی‌نژاد، شماره ۱۸۴

تلفن: ۰۹۱۹۵۱۱۴۴۱۰۰ / همراه: ۰۶۶۴۱۱۴۸۵

حق چاپ و انتشار انحصاراً محفوظ است.

اینستاگرام / Nimajpublication

وبسایت / www.nashrenimaj.ir

پست الکترونیک / Nimajpublication@gmail.com

فهرست

۷.....	پیش‌نگاشت.....
۱۳.....	استاندارد دوگانه‌ی پیرشدن.....
۵۱.....	جهان سوم زنان.....
۸۹.....	زیبایی زن: منشأ‌دلت یا منبع قدرت؟.....
۹۳.....	زیبایی چگونه در آینده متحول خواهد شد؟.....

www.ketab.ir

پیش‌نگاشت

آنچه پیش روی شماست، چند جستار از دیدگاه سوزان سانتاگ درباره‌ی جهان زنان، تفکر، باورها و ایدئال‌های زنانه است که همچنان گویای احوال زنان امروز است و نیازمند هیچ شرحی مگر خواندن و آگاه‌شدن نیست. سانتاگ بسیار به ویژگی‌های زمانی ما را درباره‌ی نقش و جایگاه زنان شناخت و آن را در جامعه به وضوح برآورد و ارزیابی کرد. جلوه‌های این تحلیل امروز فقط با اندکی تغییر به خوبی نمایان است.

مسئله‌ی زنان در نوشته‌های سوزان سانتاگ به شگفتی، تمامی حقایق ذهنی و عینی زنانگی و مردانگی را که مسلم فرض می‌شوند، به چالش می‌کشد و ما را به عمیق‌ترین لایه‌های ساختار ذهنی زنانه و مردانه و اقدامات متقابل برای جذب یا انکار جنس مخالف می‌برد. هر چهار جستار درباره‌ی کنش‌های خودخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه‌ی زن است که وی را تا حد مسئله مطرح می‌کند. هرچند در این نوشتار حکم و قضاوتی در کار نیست و تنها انبوهی از سؤالات در ذهن ما بیدار می‌شود. واقعیت این است که ما سانتاگ را صاحب‌نظر در زمینه‌ی فلسفه، هنر، تاریخ و جامعه می‌شناسیم. اکنون در زمینه‌ی مسئله‌ی زن و فمینیسم

نظرات ایشان را جویا می‌شویم که اتفاقاً بسیار مهم و تأثیرگذار است. قرار نیست با این نوع دیدگاه همسویی کامل داشته باشیم؛ اما درنگ برای بیان اندیشه‌ورزی سانتاگ و شنیدن دیدگاه‌ها، مرحله‌ای از مقیاس‌گذاری برای رسیدن به تعادل در اعتقاد و نظر مخاطب است. فارغ از بدیهیات، رسیدن به تعادل، صلح و اصالت در روابط انسانی یک اصل، رؤیایی تاریخی و غایی‌ترین فضیلت به‌شمار می‌رود.

با خواندن جستارهای پیش رو، با درجه‌ای از شدت و ضعف، سؤال‌های بجا و چالش‌برانگیز در ذهن ما نقش می‌بندد که سرآغازی برای خودآگاهی و میل به تغییر و عدالت، صلح با خود و مواجهه با شرم ناشی از زندگی زیسته است. سانتاگ از مسئله‌ی زن می‌گوید و باور دارد زنان برای عدالت جنسیتی باید دست‌به‌کار شوند و از خود شروع کنند. هرچند هر چهار جستار در دهه‌ی هفتاد میلادی نوشته شده و ممکن است مصادیقی تاریخی داشته باشد که علل آن اکنون دیگر وجود ندارد (مانند به‌قدرت رسیدن زنان در سطوح بالای مدیریتی و ریاست‌جمهوری، حضور پررنگ زنان در دستیابی به فناوری پیشرفته و نیز موقعیت‌های علمی، سیاسی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی، حق رأی و دیگر حقوقی که زنان در سال‌های اخیر به‌دست آورده‌اند)، آنچه هنوز برجسته و بیدار است، الگو و طرح‌واره‌های نابرابری و خودکم‌بینی ذهنی و عینی زنان به وجود گران‌بهای خودشان است. اینکه زنان چطور به‌جای مراقبت از گوهر وجودشان، خود را به دست ماسک‌ها و نقاب‌های ظاهری زیباتر شدن می‌سپارند و از خویشتن خویش غافل می‌شوند. اینکه چطور آموخته‌ها و باورهای کهنه را سفت و محکم می‌چسبند و در برابر تغییر و خودآگاهی مقاومت می‌کنند.

کارلوس فوننتس، نویسنده‌ی مشهور اهل مکزیک، گفته است: «هرکس در

درون خود مرزی دارد که گذشتن از آن بسیار دشوار و درعین حال، بزرگوار و خودآگاهی است.^۱ درواقع، آگاهی به ندانستن، آگاهی بزرگ و هستی ساز است. متأسفانه امروز می بینیم که هیچ وفاقی درباره ی مرز فمینیست بودن و الگوی قوی بودن مردانه وجود ندارد. فمینیسم به معنای افراط و اغراق در به دست آوردن حق زن نیست. فمینیسم فراتر از آن، به معنای توجه به ویژگی های انسانی، دوستی و صلح مرد و زن با یکدیگر و نیز با جهان هستی است. فمینیسم تلاش برای تمرین مدارا، رواداری و احترام متقابل بوده و این از وظایف هر دو جنس مرد و زن است. حتی همدردی مردان برای ظلم به زنان در لایه های زیرین تفکر مردانه، نوعی برتری جویی و تفوق است که خلأ این برتری طلبی با اشارات تأیید زنان پر می شود. این یک تله و رابطه ی فریبنده است که خود ما زنان به آن دامن می زنیم و آتش نابرابری را شعله ور نگاه می داریم.

اقبال تاریخی زیستی مردان در قیاس با شکوه شکننده و مشروط زنان فقط مجموعه ی تاریک روزگار ما را نمایان می کند و مسئولیتی برای کشف و تغییر به سمت روشنا را برای همگان و به ویژه به عهده ی زنان می گذارد. رومن رولان در کتاب بی بدیل جان شیفته^۱ می گوید: «انجا که جهش مقاومت نیست، چیزی هم نیست که از دست برود.» آری... به درستی آنچه کم است، زندگی است. آنچه کم است، میل به تغییر و لزوم جهش هایی از جنس خودآگاهی و دگرگونی است؛ چنان که رزا لوکزامبورگ، فعال و مبارز اجتماعی، گفته: «آن که از جای خود نجنبد، زنجیر هایش را حس نمی کند.» امید است آشنایی با این دیدگاه ها گشایشی در مسیر میل به خودآگاهی، عدالت طلبی و خوش احوالی باشد.

در توضیح چهار جستار، یادآوری می شود که مقاله ی اول، استاندارد

1. L'Âme enchantée

دوگانه‌ی پیرشدن، به بررسی قاعده‌ی استاندارد دوگانه‌ی پیرشدن پرداخته که به تفصیل، فضای متفاوت و ساختار ذهنی دیدگاه‌های زنانه و مردانه و نیز کل جامعه را تحلیل کرده و به نقش زنان در فرایند تغییر دیدگاه‌ها تأکید می‌کند. مقاله‌ی دوم، جهان سوم زنان، پرسش و پاسخی است که مجله‌ی پارتیزان برای سوزان سانتاگ و دیگر زنان فمینیست معاصر، همچون سیمون دوبوار ترتیب داده است. در این مصاحبه سانتاگ به صراحت از وضعیت زنان در جامعه و جایگاه آن‌ها در روند مبارزه برای به دست آوردن آزادی و پیشرفت صحبت می‌کند. از ده پرسش و پاسخ، دو پرسش بنا به محدودیت‌ها و نبود سنخیت حذف شده و ترجمه نشده است. مقاله‌ی سوم، زیبایی زن، منشأ ذلت یا منبع قدرت، بسیار کوتاه و موجز درباره‌ی زیبایی زن از منظر دیدگاه‌های یونانی و مسیحی به تحلیل پرداخته و از زیبایی زن به عنوان ابزاری برای ارج نهادن یا فروکاست زنان صحبت می‌کند. مقاله‌ی چهارم، زیبایی چگونه در آینده متحول خواهد شد، نیز از تحولات در امر زیبا دیدن، پرداختن به زیبایی و تلاش برای زیباتر دیده شدن می‌گوید؛ همچنان که روندها و گرایش‌ها به سمت تغییر دیدگاه‌ها، تغییر سلیقه‌ها و تعمیم زیبایی زن در جهت دگرگونی، تعدیل و شمولیت جامعه حرکت می‌کند.

از نشر نینماژ و همکاران گران قدر برای استقبال و انتشار کتاب به طور ویژه تشکر می‌کنم. از خانم زهرا عبدی، نویسنده‌ی نامی سرزمینم، که با وجود ضیق وقت، متن را با دقت و حسن نظر خواندند و تشویق به انتشار فرمودند، بی نهایت سپاسگزارم. همچنین برای گردآوری و ترجمه‌ی مقاله‌ها از همراهی بی دریغ شبنم و کارین عزیزم بهره‌ی فراوان بردم که جای بسی خوشوقتی است و به یاد زهرا (خواهرم) که پیام آور خودآگاهی، عشق و خواستن بود.

ف. آذر، زمستان ۱۳۹۹

از ابزار ستم بر زنان، قاعده‌ی استاندارد دوگانه‌ی پیرشدن است که می‌گوید مردان با مسن شدن توانمندتر می‌شوند و در مقابل، زنان با روند سالمندی رو به افول می‌روند. سانتاگ در مقاله‌ی *استاندارد دوگانه‌ی پیرشدن* با واکاوی واقعیت‌های جامعه‌ی امروز یادآور می‌شود که زنان باید خود را از قیدوبند این باورها رها کنند و به خود بیایند.

سانتردی ریویو^۱

1. Saturday Review of The Society Magazine, 1972